

# نیمه خالی لیوان رامی بینم

درگفت و گو با محمد جواد جزینی - داستان نویس

محمد جواد استادی

محمد جواد جزینی از استادان و نویسندگان شناخته شده ادبیات داستانی ایران است. او که متولد ۱۳۴۴ هجری شمسی در درچه اصفهان است، کارشناسی ادبیات فارسی دارد و نویسنده‌ی داستان کوتاه را به شکل غیر حضوری در دانشگاه ICS ایالات متحده آمریکا گذرانده است. او سابقه سال ها همکاری با حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی و عضویت در شورای سرپرستی سوره بچه های مسجد، ماهنامه سوره و ادبیات داستانی را در کارنامه دارد. جزینی نخستین هنرستان ادبیات داستانی را در ایران تأسیس نمود. بیشتر تمرکز جزینی بر ادبیات دفاع مقدس بوده است. از جمله آثار چاپ شده جزینی می توان به «ایل بی سوار»، «تابستان پرماجرا»، «الفبای داستان نویسی»، «کتاب خرمنشهر» و «خداحافظ قهرمان» اشاره نمود. آن چه در ادامه می آید گفت و گوی ما با او درباره وضعیت امروز ادبیات داستانی در ایران است.



## -جناب آقای جزینی ادبیات داستانی انقلاب بانگاه

تاریخی و از نظر شما چگونه تعریف می شود.

اگر بخواهیم درباره ادبیات انقلاب صحبت کنیم در ابتدا باید تلقی روشنی از انقلاب ارائه دهیم. درباره انقلاب تلقی محدود شده ای ارائه می شود و اصطلاحاً داستان انقلاب به داستان هایی گفته می شود که پیرامون رویداد فیزیکی انقلاب است و عموماً هم مربوط به بهمن ۵۷ و درگیری ها برای سقوط رژیم قبل می باشد. این تلقی غریب و نامناسی از ادبیات انقلاب است. اما محصول دیگری نیز ممکن است از ادبیات انقلاب ارائه شود. به این معنا ادبیات انقلاب به ادبیاتی گفته می شود که دغدغه مبارزه با ظلم و ستم و میل به آزادی خواهی دارد. اگر مفهوم اولیه را ادبیات انقلاب بدانیم، یک گزارش از وضعیت این ادبیات می توان ارائه نمود و اگر مفهوم دوم را در نظر بگیریم (یعنی ادبیاتی که در مقابل ستم دعوت به مبارزه می کند و به دنبال مطالبات و حقوق اجتماعی مردم است) گزارش دیگری از این ادبیات خواهیم داشت. که این ها خیلی خیلی متفاوت خواهند بود. تاریخ وقوع این تلقی هم کاملاً فرق می کند. اگر شما مفهوم اول را در نظر بگیرید، چند اثری که حول و حوش سال های ۶۰، به اضافه چند کتابی که بسته و گریخته در هر سال منتشر شده اند و به ماجراهای انقلاب پرداخته اند را خواهیم دید. اغلب نهادهای دولتی تلقی شان و تصورشان از ادبیات انقلاب همان مفهوم اولیه است. اما در ادبیات گسترده تر و در یک مفهوم عمیق تر هرگز مفهوم انقلاب را به این معنا محدود نمی کنند. من جزو دسته دوم هستم. به نظر من اگر ادبیات انقلاب را به این دایره تاریخی محدود کنیم، به مفهوم ادبیات انقلاب ظلم کرده ایم. حال می بینیم که با در نظر گرفتن این معنا، تاریخ پیدایش ادبیات انقلاب، خیلی پیش از ۲۲ بهمن

است. یعنی باید بسیاری از آثاری که در سال های قبل و حتی قرون گذشته هم مردم را دعوت به مبارزه نموده و در آن ها نوعی دعوت به مبارزه با ظلم و ستم وجود داشته را ادبیات انقلاب فرض کنیم.

## - ادبیات داستانی در ایران با ترجمه شروع

می شود، بعد از انقلاب وضعیت ترجمه چه تأثیری در ادبیات داستانی ایران داشته است؟

بسیاری از تحولات ادبی ما با ترجمه شروع شده است، مثل حوزه نمایشنامه نویسی حتی حوزه داستان و شعر نیز با ترجمه، خصوصاً در حوزه آثار مکتوب شروع شده است. اگر این سؤال خاص در مورد وضعیت ترجمه است احتمالاً می توان وضعیت ترجمه را به ساده ترین شکل در چند مرحله اشاره کرد. دوره اول که مثلاً قبل از ۱۳۰۰ بوده، ابتدا ترجمه هایی از روسیه و بعد فرانسه چاپ شده است. این که چرا ابتدا سراغ این دو کشور رفتند دلایل سیاسی و اجتماعی دارد. یک ویژگی دیگر این است که ما عموماً حداقل پنج دهه اختلاف تاریخی داریم. یعنی تازه ترین آثاری که در آن دوران ترجمه شده، نیم قرن با ما اختلاف تاریخی دارند. بعداً خیلی زود مثلاً در اواخر دهه ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ به دلیل تحولات سیاسی اجتماعی در ایران، ادبیات انگلستان و بعد آمریکا باب می شود. دانشور و بعداً نجف دریابندری و دیگران نهضتی را راه اندازی می کنند. این مترجمان در واقع ما را با بخشی از ادبیات جهان، مثل ادبیات انگلستان و خصوصاً ادبیات آمریکا آشنا می کنند. دهه ۴۰ اوج شکوفایی ترجمه است به خصوص ترجمه آثار آمریکایی ها و انگلیسی ها. اما همچنان این اختلاف تاریخی را داریم. همین موضوع باعث می شود که ما با تازه ترین آثار ادبیات جهان، دست کم چهار دهه فاصله